

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۳

مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز

غلامرضا گودرزی*

چکیده

از آن جا که اخلاق، جزو پایه‌های هر جامعه است، از جمله میانی جامعه زمینه ساز به شمار می رود. به بیان دیگر، اخلاق یکی از مقوم‌های هر جامعه و از جمله شاخص‌های سنجش میزان ارتباط بین مردم در آن جامعه است. از این رو پرداختن به بحث اخلاق، سیاست گذاری برای ارتقای جامعه و نیز سنجش سطح آمادگی آن از این راه را سبب می شود. البته بین اخلاق به معنای عام آن با اخلاق با رویکرد زمینه سازی ظهور باید تفاوت قائل شد؛ زیرا رعایت هر موضوع اخلاقی به زمینه سازی نمی انجامد. به بیان دیگر، اخلاق زمینه ساز رویکردی خاص از اخلاق است که در آن هدف و نقطه اوج، تربیت جامعه برای آمادگی و زمینه سازی استقرار حکومت جهانی موعود الهی به شمار می رود. با توجه به این نکات، نوشتار حاضر - که نتیجه یک کار تحقیقاتی است - به دنبال طرح ایده اخلاق زمینه ساز و ارتباط آن با نگاه راهبردی و سبک زندگی است. در این راستا ضمن پرداختن به بحث اخلاق و زمینه سازی ظهور، سبک زندگی و نیز نشانه‌های ظهور از نگاه راهبردی و ویژگی‌های راهبردی اخلاق زمینه ساز شده نیز بررسی شده و در پایان نیز مدل راهبردی تعامل اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز ارائه گردیده است. روش انجام این تحقیق، به صورت تحلیلی و توصیفی است که با الهام گیری از تحلیل محتوای بیش از هزار و پانصد حدیث در حوزه نشانه‌ها و مباحث مرتبط با آخرالزمان،

ویژگی‌ها و شرایط نظام اخلاقی زمینه‌ساز، استخراج و احصا شده است.

واژگان کلیدی

اخلاق، زمینه‌سازی ظهور، سبک زندگی، نشانه‌های ظهور، مدل راهبردی تعامل اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز.

مقدمه

اخلاق از جمله مهم‌ترین مباحثی است که هم در حوزه علوم انسانی و هم در علوم دیگر و حتی در سطح زندگی عادی نیز متداول است. به همین دلیل از دیرباز درباره تعاریف اخلاق، حوزه‌های متأثر یا مؤثر بر آن و همچنین جایگاه آن بین علمای بزرگ اختلاف نظر وجود داشته است. اما نکته مشترک بین همه افراد، اهمیت اخلاق در زندگی دنیوی و آخروی است. حتی توجه به این اهمیت نه تنها در ادیان الهی، بلکه در همه نگرش‌ها و تفکرات بشری - مگر معدودی از آن‌ها که اصولاً رویکردی قابل اعتنا ندارند - مورد تأکید است. کتب مختلف و همچنین شواهد تاریخی همگی از قدمت بحث اخلاق حکایت دارند؛ از اندیشمندانی چون ارسطو و سقراط گرفته تا فارابی و ابن‌سینا و از سید مرتضی و شیخ طوسی گرفته تا آیت‌الله بروجردی و امام خمینی تا به امروز.

اما در این نوشتار، ضمن ارائه نگاهی گذرا بر موضوع اخلاق و سبک زندگی، بیشتر بر زمینه‌سازی و نقش آن در جهت‌دهی به مباحث اخلاقی تأکید خواهد شد. گفتنی است اگر مباحث مهدوی با رویکردی راهبردی و در حد امکان، کاربردی ارائه شوند، مفیدتر خواهند بود. از این رو در پایان مقاله، مدل اولیه‌ای نیز درباره اخلاق و سبک زندگی ارائه می‌شود.

اخلاق و اخلاق زمینه‌ساز

درباره مواردی چون، اخلاق، علم اخلاق، اخلاق نظری، اخلاق عملی، ارتباط بین اخلاق با فقه، صفات انسانی و نظایر این واژگان همواره بین اندیشمندان مختلف در حوزه علوم انسانی و همچنین عرفا، فقها و مفسران گران‌قدر، بحث شده است. عده‌ای اخلاق را یک فضیلت می‌دانند و برخی آن را دانش و علم به شمار می‌آورند. برای آن که مفهوم اخلاق تبیین شود، باید به کتب معتبر اخلاقی و تفسیری مراجعه کرد که در ادامه به برخی از این منابع اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت امام خمینی علیه السلام در کتاب *شرح حدیث جنود عقل و جهل* در بحث اخلاق، به این مطلب قائل هستند که در علم اخلاق مهم آن است که با ابشار و تنذیر و موعظه و نصیحت،

دیگران را به سمت حقانیت الهی هدایت کند. به عقیده ایشان، کتاب اخلاق موعظه کتبی است و خود معالج و نه صرفاً نشان دهنده راه است (خمینی، ۱۳۷۷: ۱۳).

۲. آیت‌الله مهدوی کنی، اخلاق را جمع خُلق و به معنای غرایز، ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، تعریف می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۲۹).

۳. از دیدگاه علامه طباطبایی، علم اخلاق فنی است که درباره ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوی نباتی و حیوانی و انسانی اوست (شمس، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

اما اخلاق زمینه‌ساز چیست؟ برای تعریف اخلاق زمینه‌ساز، می‌توان به جهت‌گیری خاص آن توجه کرد. در حقیقت اخلاق دارای اهداف و غایت مشخص - که همان قرب الهی است - بوده، اما می‌تواند در مقام اجرا دارای جهت‌گیری یا مشخصه‌هایی خاص باشد. به عنوان نمونه، راست‌گویی، تقوا، امانت‌داری و وفای به عهد، از مهم‌ترین مکارم و صفات اخلاقی به شمار می‌روند. اما گاهی این صفات به صورت مجرد و بدون توجه به نگاه و مسیری خاص تعریف می‌شوند که می‌توان آن را اخلاق به معنای عام نامید و گاه در مسیر هدایت افکار و توجه به مسیر مهدویت گام برمی‌دارند که در این صورت همان اخلاق زمینه‌ساز خواهند بود. از این رو در این نوشتار، اخلاق زمینه‌ساز را چنین تعریف می‌کنیم: «مجموعه ملکات و صفاتی که در انسان، برای ورود به شرایط ظهور و تشکیل جامعه‌ای منتظر، آمادگی روحی و باطنی را فراهم می‌کند.»

با این تعریف مشخص می‌شود که از دیدگاه نگارنده، اخلاق زمینه‌ساز همان اخلاق دینی مبتنی بر آموزه‌های ادیان الهی است با این تفاوت که:

۱. جهت‌گیری آن برای شرایط خاص دوران ظهور است؛ یعنی به دنبال تربیت افرادی است که برای شرایط خاص آن دوره آمادگی داشته باشند.

۲. فعالانه است، لذا این نوع اخلاق منفعل و ساکن نیست.

۳. ضمن توجه به اخلاق فردی، بر جنبه‌های اجتماعی در راستای تحقق جامعه، حکومت و تمدن زمینه‌ساز نیز متمرکز است.

۴. در همه مباحث، رویکردها، آموزه‌ها و کاربردها تداعی‌کننده یاد و نام موعود ادیان حضرت مهدی علیه السلام است.

۵. انسان متخلق به آن در عمل و نه صرفاً در کلام مروج آموزه‌های مهدوی است. بنابراین صداقت او در واقع هم در گفتار و هم در عمل، انسان‌ها را نسبت به مهدویت ترغیب می‌کند.

۶. با توجه به ضرورت نگاه جهانی و فطری، این نوع از اخلاق بر گسترش و ایجاد وحدت

بین ادیان حول جامعه منتظران الهی استوار است.

به بیان دیگر، در این نوع نگاه، ارتباط بین اخلاق عام و اخلاق زمینه‌ساز، در شکل و محتوای مباحث (مانند صداقت) و تفاوت آن‌ها در رویکرد اجرایی و صحنه عمل است. صداقت برای همه انسان‌ها در تمامی جوامع خوب و لازم است؛ اما صداقت در اخلاق زمینه‌ساز افزون بر این حد، پیش شرط ساختن جامعه منتظران و یکی از مشخصه‌های راهبردی زمینه‌سازان ظهور خواهد شد. از این رو کسی نمی‌تواند مدعی انتظار ظهور شود، اما در کلام و عملش صداقت نداشته باشد. دلیل این امر نیز آن است که منتظران واقعی حضرت باید به معنای حقیقی، شیعه و پیرو امام باشند و این پیروی در قول و عمل بازتاب داشته باشد تا بتوانند جلوه‌ای از جلوه‌های اولیای الهی را تصویر کنند. در حدیثی منصوب به امام صادق علیه السلام که در *معجم احادیث الامام المهدي* به نقل از کتب متعددی چون *تفسیر صافی و اثبات الهداة* به نقل از *کمال الدین* و با تفاوتی از *حلیة الابرار* آمده است - امام علیه السلام شیعیان امام عصر علیه السلام را از اولیاء الهی می‌داند:

يَا أَبَا بَصِيرٍ! طُوبَى لِّشَيْعَةِ قَائِمِنَا... أَوْلِيَّكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزُونَ. (هیئت علمی، ۱۳۸۶: ج ۷، ۱۶۱)

طبیعی است پیش شرط نیل به مقام اولیای الهی، تبلور صفات و ملکات اخلاقی در فرد، و در حقیقت همان اخلاق عام است. حال اگر این حالت، با جهت‌گیری زمینه‌سازی و در راستای تقویت نظری و عملی انتظار واقعی در جامعه همراه باشد، به طوری که هر فرد با تعامل و برخورد با این ولی الهی یا انسان معطر به عطر اولیای الهی، رنگ انتظار را درک کند و یاد امام علیه السلام را در دل و ذکر استشمام نماید، آن اخلاق عام به اخلاق زمینه‌ساز نزدیک می‌شود.

سبک زندگی و سبک زندگی زمینه‌ساز

سبک زندگی از جمله واژگان مهمی است که سابقه‌ای دیرینه دارد، اما در چند سال اخیر بیشتر مد نظر قرار گرفته است. سبک زندگی در اصطلاح شیوه زیستن در طیفی از سطوح مادی و غیرمادی معرفت بشری است. از این رو مجموعه‌ای از مسائل انتزاعی، انضمامی و عملیاتی را دربر می‌گیرد. امروزه سبک زندگی به عنوان حوزه‌ای مهم در مطالعات فرهنگی با دو رویکرد خرد (زندگی روزمره) و کلان (جهانی) مطالعه می‌شود (چنکیز، ۱۳۸۵: ۳۲). به همین دلیل، سبک زندگی دربرگیرنده طیفی از مفاهیم و نظریات روان‌شناختی تا جامعه‌شناختی است (مهدوی کنی، ۱۳۹۱). برای تعریف سبک زندگی به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. مجموعه‌ای از رفتارها که افراد آن‌ها را به کار می‌گیرند تا نه تنها نیازهای جاری‌شان را برآورند، بلکه روایت خاصی را که برای هویت اجتماعی برگزیده‌اند، در برابر دیگران مجسم سازند.

۲. رفتارهای عادی روزمره‌ای که در قالب عادات لباس پوشیدن، خوردن، محیط‌های مورد پسند برای تعامل با دیگران، خود را نشان می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۴).

نخستین نشانه‌های مسئله شدن سبک زندگی در ایران را می‌توان همزاد مسئله هویت در تاریخ معاصر دانست؛ چراکه سبک زندگی در واقع بازتابی از اتخاذ یک هویت یا ترکیبی از هویتی‌های چندگانه است که در الگوهای رفتاری فرد ظاهر می‌شود. بنا بر نظر برخی پژوهش‌گران ایرانی، مسئله شدن هویت برای ایرانیان زمانه ما به نخستین رویارویی‌های دنیای سنت و پیروانش با جهان متجدد و پدیده‌های آن در آستانه مشروطه بازمی‌گردد. به این ترتیب که بسیاری از تجددگرایان به حکومت خودکامه رضاخانی تن دادند و به کارگزاران آن تبدیل شدند تا عرصه نزاع هویتی میان دولت و ملت را به نفع پیشبرد اهداف خویش سامان دهی کنند (کچوییان، ۱۳۸۵: ۴۷). با این تعاریف مشخص می‌شود که سبک زندگی را باید مؤلفه‌ای راهبردی در انقلاب اسلامی و رویارویی با فرهنگ و سبک زندگی غربی و به مثابه بخش نرم‌افزاری تمدن‌سازی اسلامی دانست. مقام معظم رهبری در تبیین اهمیت سبک زندگی می‌فرماید:

اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، این تمدن دارای دو بخش ابزاری و حقیقی و اساسی خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد. ... بخش ابزاری، یا سخت‌افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به عنوان نموده‌های پیشرفت مطرح می‌شود؛ از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن. در این زمینه البته پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم، اما باید توجه کرد که این پیشرفت‌ها، وسایل و ابزاری است برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم‌افزاری تمدن اسلامی، یعنی سبک و شیوه زندگی ... بدون پیشرفت در بخش حقیقی تمدن‌سازی نوین اسلامی، یعنی سبک و فرهنگ زندگی، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد. متأسفانه ما در این بخش، پیشرفت چشم‌گیری نداشته و مثل بخش اول - یعنی علم و صنعت و نظایر آن - پیشرفت نکرده‌ایم. (سخنرانی در خراسان شمالی، آذرماه ۱۳۹۱)

سبک زندگی زمینه‌ساز چیست؟ در این نوشتار، مقصود از سبک زندگی زمینه‌ساز، مجموعه

رفتارهای اجتماعی است که ضمن برآورده کردن نیازهای جاری جامعه منتظران، روایتی عمل‌گرا و فعالانه مبتنی بر تفکر موعودگرایی و مهدوی را برای هویت اجتماعی برمی‌گزیند. شبیه آن چه در بحث اخلاق و اخلاق زمینه‌ساز مطرح شد، سبک زندگی زمینه‌ساز در رویکرد نگارنده، همان سبک زندگی دینی مبتنی بر آموزه‌های ادیان الهی است با این تفاوت که:

۱. هویت تعریف شده در آن مبتنی بر تفکر ناب مهدوی است؛
 ۲. در عرصه‌های گوناگون منتظران را به سمت حضور فعال سوق می‌دهد؛
 ۳. تداعی‌کننده یاد و نام موعود ادیان است؛
 ۴. همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را بر مبنای آموزه‌های مهدوی سامان می‌دهد؛
 ۵. قابل ترویج و به‌کارگیری در تمام جوامع است؛
 ۶. افق دید آن در طراحی و اجرا مبتنی بر افق جهانی و نه جهانی‌سازی است.
- به بیان دیگر، ارتباط بین سبک زندگی عام و سبک زندگی زمینه‌ساز را در شکل و محتوای مباحث (مانند روش سخن گفتن) و تفاوت آن‌ها را در رویکرد اجرایی و صحنه عمل است. نوع گویش و سخن‌گویی برای همه انسان‌ها در تمامی جوامع مفید است، اما در سبک زندگی زمینه‌ساز، نوع سخن گفتن و الفاظ فرد باید معرف هویت مهدوی باشد. این همان معنایی بود که در باب اخلاق زمینه‌ساز نیز یادآور شدیم.

نشانه‌های ظهور از نگاه راهبردی

برای تبیین سبک زندگی زمینه‌ساز نشان دادن و ارتباط آن در صحنه واقعیت و عمل، باید به بحث نشانه‌های ظهور نگاهی بیندازیم؛ زیرا با توجه به ارزش و جایگاه بحث نشانه‌های ظهور و تأثیرات راهبردی آن در تدوین راهبردها و ملاحظات آینده‌نگرانه، می‌توان مباحث مهدویت را در حوزه اخلاق و سبک زندگی کاربردی کرد. البته درباره نشانه‌های ظهور چند نکته را باید یادآوری کرد:

۱. نشانه‌های ظهور همان قدر که می‌توانند در تحلیل مسائل کمک کنند، در صورت غفلت و کم‌توجهی می‌توانند در به انحراف کشاندن جامعه مؤثر باشند؛ زیرا درباره نشانه‌ها، اقوال مختلف و بعضاً انحرافات و روایت‌سازی قابل رصد است.
۲. درباره نشانه‌های ظهور، نگاه جزئی و موردی می‌تواند خط‌اساز باشد. مثلاً اگر در ترسیم فضای آخرالزمان از منظر روایات نشانه ظهور، کم‌توجهی شده و روایات به صورت مجزا از هم در نظر گرفته شوند، در مقام تبیین و توضیح نشانه‌هایی چون سفیانی، دجال یا صیحه

آسمانی دچار خطا می‌شویم؛ زیرا روایات زیاد و بعضاً گوناگون و به ظاهر متضادند.
۳. برای تشخیص روایات درست از نادرست درباره نشانه‌ها، مراجعه به کارشناسان و خبرگان ضروری است.

۴. در بحث نشانه‌ها باید از تطبیق و توقیت پرهیز جدی داشت. البته توقیت به دو شکل متصور است؛ گاه کسی با قطع و یقین می‌گوید: امام مثلاً تا دو سال دیگر ظهور می‌کند؛ اما گاهی می‌گوید: امام بدون تردید تا دو سال دیگر ظهور نخواهد کرد؛ یعنی توقیت می‌تواند ایجابی و سلبی باشد و هر دو باطل است. آن چه برای ما مهم است، نه زمان ظهور، بلکه آمادگی برای آن و زمینه‌سازی فعالانه برای تحقق آن است.

در کتاب *تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور*، درباره موضوع نشانه‌های ظهور و رابطه آن با مجموعه معارف دین و اصول حاکم بر آن، تعابیر دقیقی آمده است. از جمله این که اصول اصالت دارند و نشانه‌ها مکمل هستند. از سوی دیگر، اصول در همه شرایط، ولی نشانه‌ها در شرایط خاص کاربرد دارند و بر خلاف نشانه‌ها، اصول قابل ارائه تفسیر غلط نیستند و در نهایت در مقام تعارض، اصول بر نشانه‌ها مقدم‌اند (آیتی، ۱۳۹۰: ۱۶).

در موضوع نشانه‌ها میان اندیشمندان و پژوهش‌گران مهدوی اختلاف نظراتی وجود دارد؛ به طوری که برخی بر پایه درک کلیاتی از آن اقدام به تصویرپردازی از عصر ظهور کرده‌اند (نک: کورانی، ۱۳۸۸)، برخی به بیان جزئیات نشانه‌ها و ارائه تصاویر جزئی پرداخته‌اند (نک: سلیمان، ۱۳۸۱) و گروهی نیز به بحث درباره نشانه‌های قطعی‌تر و محدودتر اقدام نموده‌اند (نک: آیتی، ۱۳۹۰). اما کمتر کسی را می‌توان یافت که بحث نشانه‌های ظهور را به طور کامل انکار کند.

نکته دیگری که در بحث نشانه‌ها باید گفت، بحث سنت‌های خداوند است. سنن الهی، قواعدی هستند که در فعل الهی و در سلسله اسباب و علل، قابل فهم بوده و تدبیر الهی بر اجرا و تحقق آن‌ها در جریان زندگی انسان و در سطح عالم هستی است. یکی از این سنن که با موضوع نشانه‌ها ارتباط دارد، سنت بداء است. این سنت، از جمله سنن مهم الهی به شمار می‌رود که جزو اعتقادات و باورهای اساسی اسلام است. بر اساس این سنت - که بر پایه فهم عالمانه ارتباط بین اراده، علم و قدرت الهی و فعل انسان استوار است - بخشی از سرنوشت انسان قطعی نیست و بر اساس فعل انسان و حکمت الهی معلق و قابل تغییر است. به عنوان نمونه، در روایات متعدد از لسان معصومین علیهم‌السلام ذکر شده است که صدقات یا صلّه ارحام باعث دفع بلا و طول عمر می‌شود. نمونه دیگر درباره بداء در داستان قوم حضرت یونس علیه‌السلام و

برداشته شدن عذاب الهی از آنان به سبب تغییر اعمالشان قابل مطالعه است. در قرآن نیز به صراحت و در برخی موارد به صورت تلویحی به این سنت اشاره شده است؛ آن جا که می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ (رعد: ۱۱)

خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند.

شناخت دقیق این سنت در فهم و تفسیر علایم ظهور بسیار مهم بوده و مبنای تحلیل و تقسیم بندی راهبردی نشانه ها نیز دقت در همین سنت است.

حال با توجه به این نکات، به طور راهبردی به نشانه های ظهور می نگریم. اصولاً می توان نشانه های ظهور را از زوایای مختلف طبقه بندی کرد؛ این مناظر در چند گروه تقسیم شده اند. در ادامه به بیان این گروه ها و ارائه طبقه بندی راهبردی می پردازیم. گفتنی است منبع این گروه بندی ها عمدتاً برداشت محقق از کتب مختلف مرتبط با نشانه ها، علایم و فتن است و البته برخی از این گروه بندی ها در کتب یا مقالات مشابه نیز قابل اشاره اند. انواع گروه بندی نشانه های ظهور عبارت اند از:

۱. در این تقسیم بندی، نشانه های ظهور در دو دسته موقوفه و محتومه گروه بندی می شوند. منظور از محتومه نشانه هایی هستند که حتماً رخ خواهند داد و هیچ تغییری و بداء در آن نیست؛ مانند اصل ظهور سفیانی. اما نشانه موقوفه می توانند تغییراتی داشته باشند؛ مانند بسیاری از نشانه ها همچون بروز خشونت و جنگ که در بین مردم، اصل قلمداد می شوند.

۲. تقسیم نشانه ها به سه دسته عام، نزدیک ظهور و قطعی. نشانه های عام بر تداوم مسیر و جریان حق نسبت به باطل دلالت دارند. این نشانه ها بسیارند و تنها حاکی از آن اند که جامعه جهانی به سمت مسیر محتومش حرکت دارد، مانند بروز فساد و انحراف در جوامع؛ اما دلیلی بر نزدیکی یا دوری ندارد. نشانه های نزدیک حاکی از شدت گرفتن حوادث و گسترش مباحث آخرالزمان هستند؛ مانند بروز برخی از حوادث عراق و سوریه. اما این دسته نیز دلیلی بر قطعیت ندارند. دسته سوم که مانند سفیانی نشانه های کمتری هستند، محتوم و قطعی اند و با بروز آن ها ظهور، قطعیت می یابد.

۳. مبنا در این دسته بندی موضوع نشانه، یعنی حوادث، افراد یا قیام ها هستند. در برخی از نشانه ها به بروز حوادثی در آخرالزمان، مانند سیل و زلزله، در برخی اشاره به ظهور افرادی چون سید خراسانی و یمانی و در پاره ای دیگری از نشانه ها به قیام هایی چون قیام سید حسنی یا قیام یمانی اشاره شده است.

۴. در این تقسیم‌بندی نیز معیار به محل وقوع نشانه، یعنی آن‌ها که در زمین رخ می‌دهند، مانند جنگ‌ها و قیام‌ها، آن‌ها که در آسمان رخ می‌دهند، مانند صیحه آسمانی و در موارد خاصی آن‌ها که در انسان‌ها مانند بروز حسد و نفاق و فساد اخلاقی رخ می‌دهد، اشاره دارند.

۵. در این تقسیم‌بندی مبنای عامل ایجاد نشانه، ملاک گروه‌بندی است. برخی از نشانه‌ها توسط نیروهای مأمور الهی انجام می‌شوند، مانند بانگ جبرئیل؛ برخی توسط طبیعت ایجاد می‌شوند، مانند سیل و زلزله و برخی نیز توسط انسان‌ها اجرا می‌شوند، مانند انحطاط اخلاقی یا قیام‌ها.

اما دسته اصلی - که موضوع بحث ماست و ملاک ادامه کار قرار می‌گیرد - تقسیم‌بندی نشانه‌ها از منظر راهبردی است. در واقع ملاک تقسیم‌بندی در این جا اهمیت آن نشانه و کاربردش در حوزه سیاست‌گذاری است. از این منظر نشانه‌ها یا کلامی هستند که در آن‌ها متن کلام امام معصوم علیه السلام مد نظر است و این دسته، تغییرناپذیر و قطعی هستند. اما دسته دیگر، نشانه‌های محتوایی است. در این نشانه‌ها می‌توان به جریان یا محتوایی که از نقل امام معصوم علیه السلام استنباط می‌شود استناد کرد و البته جزئیات آن‌ها قابل بداء و تغییرند. مثلاً اگر امام درباره گرانی، وضعیت زنان، نوع پوشش مردان و نظایر این موارد بحث کند، می‌توان مقصود اصلی ایشان را استنباط کرد و ملاک قرار داد. البته شناخت این دسته بسیار سخت و نیازمند کار کارشناسانه و عالمانه است. در این باره حدیثی از امام باقر علیه السلام قابل استناد است:

إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مَوْفُوقَةً وَأُمُورًا مَحْتُمَةً. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۱)

البته بحث درباره نشانه‌ها و کاربرد راهبردی آن‌ها خود موضعی مجزاست - که از حوصله این نوشتار خارج است - اما ممکن است سؤال اصلی این باشد که بین بحث نشانه‌های ظهور و به‌ویژه جامعه منتظران با بحث اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز چه ارتباطی وجود دارد؟ برای بهتر تبیین کردن مفهوم اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز از منظر مطالعات راهبردی و نگرش راهبردی به مهدویت و رسیدن به یک مدل اولیه راهبردی در این باره، می‌توانیم از مجموعه نشانه‌های ظهور و تقسیم‌بندی راهبردی آن‌ها استفاده کنیم. البته با توجه به ویژگی‌هایی که برای نشانه‌های ظهور از نگاه راهبردی و همچنین اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز ذکر کردیم، بهتر است از نشانه‌های محتوایی استفاده کنیم و از تحلیل آن‌ها به شرایط و ویژگی‌های عصر ظهور و جامعه منتظران برسیم؛ زیرا با وجود آن که نشانه‌های قطعی

ظههور - یعنی صیحه آسمانی، یمانی، سفیانی، خسف بیداء و قتل نفس زکیه - قطعی الوقوع اند،^۱ اما به نظر نگارنده، از منظر راهبردی و به دلیل ویژگی های عوامل کلیدی موفقیت^۲ در یک نظام مبتنی بر تفکر راهبردی و در مقام طراحی مدل اولیه مورد نظر این مقاله در شناخت و تحلیل شرایط ظههور و به منظور فهم نظام تربیتی و اخلاقی و سبک زندگی افراد با رویکرد و هویتی مهدوی، اولویت با نشانه های محتوایی است.

اگر بر اساس تحلیل نشانه های محتوایی بخواهیم شرایط دوران ظههور را ترسیم کنیم و در پی آن نظام اخلاقی و سبک زندگی خاص آن را ترسیم نماییم، می توانیم به این موارد اشاره کنیم. البته گفتنی است آن چه در این جا ارائه می شود جنبه مقدماتی دارد و نتیجه انجام یک پژوهش اولیه در میان کتب گوناگون مرتبط با نشانه ها و مرور بیش از هزار و پانصد روایت است و روشن است با تکمیل مطالعات و دقت بیشتر می توان این فهرست را تقویت نمود و اصلاح کرد. در هر مورد نیز تنها یک حدیث به عنوان نمونه از میان بیش از هزار و پانصد حدیث بررسی شده ذکر می شود. البته ممکن است در سند و دلالت برخی از این مجموعه روایات ابهامات و نکاتی مطرح شود؛ اما کثرت روایات دیگر و همچنین اعتبار مؤلفان و پژوهش گرانی که به این دسته از روایات استناد کرده اند و آن ها را در کتب خویش احصا نموده اند، امکان بهره گیری از محتوای این دسته از روایات را به محقق می دهد.

روش انجام این تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی است. در این حالت محقق ابتدا با استفاده از کتب، مقالات و پایگاه های اطلاعاتی نزدیک به دوهزار حدیث درباره مهدویت و نشانه های ظههور را احصا کرد و پس از حذف موارد تکراری یا غیرمرتبط یا مشکوک، به حدود هزار و پانصد حدیث رسید. آن گاه این احادیث با الهام گیری از تحلیل محتوایی بررسی و در قالب مدل سازی مرتبط تحلیل شدند تا ویژگی ها و شرایطی برای نظام اخلاقی زمینه ساز استخراج و احصاء شود. بر این اساس ویژگی های دوران آخرالزمان که از تحلیل نشانه ها به دست می آیند، عبارت اند از:

۱. بالا رفتن سرعت حوادث و تغییرات در عرصه های فردی و اجتماعی؛ امام صادق علیه السلام فرموده است:

يُصْبِحُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مُؤْمِنًا وَيُؤْمِنُ كَافِرًا وَيُؤْمِنُ مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا؛ (سلیمان،

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مِنَ الْمُخْتَوَمِ الَّذِي لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ: خُرُوجُ الشُّفْيَانِيِّ، وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ، وَ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۴)

انسان اول صبح مؤمن است و آخر روز ایمانش را از دست می دهد. اول شب مؤمن است و تا پایان شب ایمانش از او گرفته می شود.

۲. بروز تغییرات در تمامی عوالم، برای آمادگی ورود به حوادثی مهم و سرنوشت ساز؛ از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

الْعَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبٍ. قُلْتُ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: وَجْهُ يَطْلُعُ فِي الْقَمَرِ وَ يَدُ بَارِزَةٌ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۲؛ هیئت علمی، ۱۳۸۶: ج ۵، ۲۲۰)

در سالی که ندای آسمانی رخ می دهد، پیش از آن نشانه ای در رجب است. [راوی می گوید: پرسیدم: آن نشانه چیست؟ فرمود: صورتی که در ماه دیده می شود و دستی آشکار.

۳. بروز انواع قیام ها و انقلاب ها در جریان حق و باطل، به طوری که افراد متعدد به نام دین یا آزادی بشر از مشکلات، قیام خواهند کرد. حذیفه یمانی می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از فتنه ای که بین اهل مشرق و مغرب واقع خواهد شد یاد کرد و فرمود:

در حالی که آن ها گرفتار فتنه هستند، ناگهان سفیانی از وادی یابس بر آن ها خروج می کند. (کورانی، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

۴. هرچه به ظهور نزدیک تر می شویم، تشدید تقابلات بین جبهه حق و باطل بیشتر و ملموس تر می شود. امام باقر علیه السلام می فرماید:

فَإِنَّ حَتْفَهُ وَ شَرْهَهُ إِثْمًا هِيَ عَلَى شِيعَتِنَا؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۱)

خشم و کینه او (سفیانی) تنها متوجه شیعیان ماست و تنها بر کشتن آن ها حریص است.

۵. برای آماده شدن مردم جهت ورود به دوران جدید و پذیرش دعوت موعود الهی، باید حکومتی زمینه ساز تشکیل شده و استقرار یابد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ يُؤَيِّدُونَ لِمَهْدِي؛ (صافی گلیاگانی، ۱۳۲۲: ۳۰۴)

مردمی از مشرق خروج می کنند و برای [حضرت] مهدی زمینه سازی می کنند.

۶. هنگامی که در جبهه حق و در نزد عموم مردم آگاه، ارزش و جایگاه دین و اعتقادات نمایان می شود، مراتب دین ستیزی در جبهه باطل نیز قوت می یابد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

وَرَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَرَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحْرَمُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۵۷)

و می بینی که حرام حلال می شود و حلال حرام می گردد.

۷. انواع نظریات و تئوری های سعادت جوی بشری تا آن زمان بروز و ظهور خواهند داشت؛ اما در مقابل شکست خود را به دلیل جدایی از دین و امام تجربه می کنند. این خود عامل افول این نظریات خواهد شد. با ظهور امام، دین کامل اجرا شده و هدایت الهی انجام خواهد شد. رسول خدا ﷺ خطاب به حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَ الصَّلَاةِ وَقُلُوبًا غُلْفًا يَقُومُ بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ (همو: ج ۵۱، ۷۹)

خداوند کسی را برانگیزد که قلعه های ضلالت و دل های قفل زده را بگشاید و اساس دین را در آخر الزمان استوار کند.

۸. چنان که گفته شد، در میان تمام سختی ها و شدت های آخر الزمان، در میان مردمی که زمینه سازان ظهورند، فطرت جویی انسان های آزاده رواج خواهد یافت. امام باقر علیه السلام در تعریف این امت زمینه ساز می فرماید:

وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۳)

پرچم ها را جز به دست صاحب الامر نمی دهند [و] کشته هایشان شهیدند.

۹. انحطاط اخلاقی گسترش خواهد یافت، قبح گناه ریخته شده و علنی می گردد:

وَتَعَامَلُوا بِالرِّبَا وَتَنَظَّهَرُوا بِالرِّبَا... وَاسْتَحَلُّوا الْكُذِبَ وَاتَّبَعُوا الْهَوَى؛ (سلیمان، ۱۳۸۱: ۷۱۸)

در معاملات ربا می گیرند، به عمل نامشروع تظاهر می کنند، ... دروغ را جایز می شمارند و از هوای نفس پیروی می کنند.

۱۰. در برابر رفتار سلطه طلبانه و مغرورانه انسان و از بین بردن طبیعت و دخالت مغرورانه در نظام آفرینش، پاسخ گویی طبیعت در قالب زلزله و... شدت می یابد. تا انسان مغرور متوجه شود که در برابر خالق خود عاجز و ناتوان است. از امام علی علیه السلام چنین روایت شده است:

وقتی دو گروه نظامی در شام اختلاف کنند، نشانه های الهی آشکار شود. پرسیدند: ای

امیرمؤمنان، آن نشانه چیست؟ فرمود: زمین لرزه ای در شام. (کورانی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

۱۱. هرچه به آخر الزمان نزدیک شویم، خواص آگاه و بصیر در سطح عالم به مباحث دینی و خاصه مهدویت گسترش می یابد. البته در برابر گرایش خواص، عوام نیز به مباحث مهدوی اقبال خواهند داشت. از این رو بازار موعودگرایی رواج می یابد و سودجویان و مدعیان دروغین نیز مشغول خواهند شد:

وَاشْتَدَّ الطَّلَبُ: (سلیمان، ۱۳۸۱: ۶۸۶)

اشتیاق به ظهور موعود شدت می یابد.

۱۲. برای شناسایی مؤمنان واقعی و منتظران حقیقی، آزمایش‌ها و غربال‌گری‌های متعددی انجام خواهد شد تا ناپاکی‌ها از خالصان جدا شود. امام باقر علیه السلام فرمود:

لَا يَكُونُ فَرَجَنَا حَتَّى تُعْزِبُوا ثُمَّ تُعْزِبُوا ثُمَّ تُعْزِبُوا؛ (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۳۱۵)

فرج ما نخواهد بود، مگر آن‌که غربال شوید، پس باز غربال شوید، سپس غربال شوید.

۱۳. با توجه به مسئله پیشین، پیچیدگی نیز افزون شده و حفظ ایمان و تصمیم‌گیری دشوار می‌گردد. مسائل درهم تنیده شده و موضع‌گیری یا فهم مطالب، به دلیل تبلیغات جریان باطل، برای بسیاری از دولت‌مرادان و خواص یا مردم دشوار خواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۸، ۴۷)

برای مردم، زمانی پیش می‌آید که اگر کسی بر آیین خود استوار باشد، همانند کسی است که آتش گداخته‌ای را با دست بگیرد.

۱۴. با توجه به تحلیل کلان مجموعه ویژگی پیشین، ویژگی دیگری پازل نشانه‌ها را کامل‌تر خواهند کرد و در حقیقت استناد ما درباره آن به تحلیل راهبردی محقق از مجموعه نشانه‌ها برمی‌گردد. این ویژگی دیگر عبارت است از این‌که به دلیل تقابل بین حق و باطل صحنه روشن‌تر می‌گردد و ریشه مشکلات نمایان‌تر می‌شود. این جاست که مرزبندی بین حق و باطل تقویت یافته و الزام می‌یابد. البته برای بسیاری این مرزبندی سخت و دشوار است. نمونه بارز آن امروز در مسئله فلسطین مشهود است. اگر صحنه حال حاضر فلسطین را با چهل سال پیش مقایسه کنیم، به خوبی درمی‌یابیم ام‌الفساد بودن صهیونیسم نمایان‌تر است، اما مرزبندی با آن برای برخی دشوار است؛ زیرا با صهیونیسم دارای مشترکاتی شده‌اند.

ویژگی‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز

با توجه به شرایط و تعریف بیان شده از اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز، می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های یک نظام اخلاقی یا سبک زندگی را - که دارای تمدن‌سازی و زمینه‌سازی ظهور منجی عالم است - در موارد زیر دانست:

۱. نظام اخلاقی زمینه‌ساز باید انسان را برای تحمل، درک، شناخت و تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده آماده سازد.
۲. سبک زندگی زمینه‌ساز باید بتواند باعث مرزبندی و شفافیت بین ایمان، کفر و نفاق باشد. از این رو هویت و نشانه‌های زندگی که بین مؤمن و منافق و کافر یکسان باشد، زمینه‌ساز نخواهد شد.
۳. با توجه به این نکات، اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز باید در شرایط سخت قدرت تمییز بین حق و باطل را داشته باشد.
۴. اخلاق زمینه‌ساز باید در راستای تحکیم پذیرش ولایت و حرکت بر مدار آن باشد تا در نقاط بحرانی به کمک انسان بیاید.
۵. این نظام تربیتی حتماً باید مؤمنان را در برابر بالا رفتن سرعت حوادث توانمند نماید تا در تحلیل حوادث عقب‌نمانند و اسیر سرعت اتفاقات نشوند.
۶. اخلاق زمینه‌ساز با توجه به ماهیت خود باید باعث رشد و تعالی اخلاقی جامعه در راستای دعوت انبیای الهی شود.
۷. شیوه زندگی منتظران واقعی و سبک زندگی آن‌ها باید متضمن یاد موعود الهی به صورت هوشمندانه و عالمانه باشد. ذکر نام مهدی علیه السلام در مجالس مختلف، فرستادن پیام در اعیاد و مراسم با یاد امام، صدقه دادن به یاد حضرت، سلام فرستادن به ایشان برخی از نمونه‌های این شیوه زندگی هستند.
۸. منتظر واقعی باید با اخلاق حسنه و زمینه‌ساز خود، عشق به مهدویت را در دل‌ها شعله‌ور کرده و باعث پذیرش عمومی دعوت و پیام موعود الهی شود.
۹. سبک زندگی آن‌گاه زمینه‌ساز است که شرایط لازم و کافی برای تشکیل حکومت و تمدن‌سازی نوین اسلامی را داشته باشد. فضای مجازی، نوع پوشش، نوع عبادات فردی و جمعی برخی از نمونه‌های تمدن‌ساز هستند.
۱۰. منظومه تربیتی و اخلاقی اسلام با رویکرد زمینه‌ساز حتماً در برابر رفتار دین‌ستیزان، فطرت‌های پاک انسانی را به پیام انبیای الهی ملزم می‌کند.
۱۱. قیام امام، رخدادی جهانی است و منتظرانش نیز در تمام جهان پراکنده‌اند. از این رو نظام تربیتی و اخلاقی زمینه‌ساز نیز باید توان جهان‌شمولی داشته باشد.
۱۲. با توجه به هجمه دشمنان، نظام اخلاقی زمینه‌ساز از انحرافات، خرافات و سودجویی‌های دنیایی به دور بوده و مبتنی بر نظریات ناب اسلامی و ارشادات علمای بزرگ

دینی و مراجع تقلید است.

۱۳. در سبک زندگی زمینه‌ساز، هرگونه تعدی سلطه‌جویانه و مغرورانه انسان به طبیعت جایز نیست. انسان در نظام اخلاقی زمینه‌ساز ضمن استفاده مؤثر و بهره‌ور از طبیعت، نسبت به صیانت از آن و شکر الهی نیز مسئول است.

۱۴. نظام اخلاقی و سبک زندگی زمینه‌ساز باید طوری طراحی شود که ضمن پرهیز از بدعت و سطحی‌نگری، پاسخ‌گوی نیازهای مشروع بشری در راستای مسیر الهی باشد.

مدل راهبردی تعامل اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز

اصولاً طراحی الگوهای راهبردی و سیاست‌گذاری عمومی در هر جامعه تحت تأثیر مبانی آینده‌نگری خاص آن جامعه است؛ زیرا نگرش انسان به آینده جهان - آگاهانه یا ناآگاهانه - به تأثیرگذاری بر تصمیمات کنونی او می‌انجامد. از این رو طراحی هر مدل و الگوی عملیاتی در آن جامعه، باید مبتنی بر نگاه به آینده باشد. توجه نکردن به این نکته در طراحی مدل‌های راهبردی، منجر به اخذ تصمیمات راهبردی بر مبنای تحلیل‌ها و تمایلات دیگرانی خواهد شد که لزوماً با ارزش‌های ما همسو نیستند و باعث بازی در زمین ایشان طبق قواعد بازی آن‌ها خواهد شد (نک: گودرزی، ۱۳۹۰).

این نکته در حوزه اخلاق و سبک زندگی در پیوند با آینده تشدید می‌شود. الوین تافلر می‌گوید:

این به معنای نفی امکان برخوردهای خشونت‌آمیز در مسیر حرکت به سوی آینده نیست. انتقال از تمدن موج اول به تمدن موج دوم درامی خونین و طولانی بود که ملامت از جنگ و شورش و قحطی و مهاجرت اجباری و کودتا و مصیبت بود. امروز مخاطرات به مراتب زیاده‌تر، زمان کوتاه‌تر، تحول شتاب‌زده‌تر و خطرات عظیم‌تر از گذشته است. ... با آموزش اجتماعی وسیع - یعنی یک طرح تجربی برای دموکراسی آینده در چند کشور به طور هم‌زمان - می‌توان با گرایش به خودکامگی مقابله کرد. می‌توان میلیون‌ها نفر را برای آشوب‌ها و بحران‌های خطرناکی که در پیش داریم آماده ساخت. می‌توان نظام‌های سیاسی موجود را برای تسریع تحولات ضروری تحت فشار استراتژیک قرار داد. ... اگر از هم‌اکنون آغاز کنیم، شاید فرزندان ما بتوانند نه تنها نظام کهنه سیاسی را نوسازی کنند، بلکه تمدن آینده را هم بسازند. نظیر نسل‌های انقلابی گذشته، ما نیز سرنوشتی داریم که باید خود خلق کنیم. (تافلر، ۱۳۶۳)

همان‌گونه که از این تصویر مشخص است، آینده در نگاه تافلر، آینده‌ای مملو از خشونت و

گرفتاری برای رهایی بشر از آن چه او به عنوان مظاهر محنت‌ها ذکر می‌کند و رسیدن به مدل دموکراسی خواهد بود. در نتیجه نظام اخلاقی و سبک زندگی در این نگاه نیز باید در راستای تحقق یا آماده‌سازی افراد برای زیستن در چنین محیطی سامان یابند. حال پرسش اصلی آن است که آیا در نگاه اسلام و اصولاً از منظر ادیان الهی، آینده این چنین خشن و سخت خواهد بود؟

اما از منظر آینده‌نگری‌های الهی و به خصوص تفکر ناب مهدویت، تصاویر آینده جهان متفاوت از نگاه تافلر است یا دست کم لزوماً این قدر خشن نخواهد بود. در منابع اسلامی و به ویژه قرآن کریم، نمونه‌هایی از تصاویر آینده ترسیم شده است:

۱. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالصَّرَاءُ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾؛ (بقره: ۲۱۴)

آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی آن که حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟ همانان که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها به آن‌ها رسید و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که با او ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟» آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است.

۲. همچنین فرموده است:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾؛ (آل عمران: ۱۴۲)

آیا چنین پنداشتید که [تنها با ادعای ایمان] وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است.

۳. پیامبر اسلام ﷺ در خطبه معروف غدیر خم می‌فرماید:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأُمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ، أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ، أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ، أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا، أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ، أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بِكُلِّ تَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِي اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ، أَلَا إِنَّهُ يَسِيمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ، أَلَا إِنَّهُ خَيْرُ اللَّهِ وَخُتَارُهُ، أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالحَيْطُ بِهِ، أَلَا إِنَّهُ الحَخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالمُنْتَبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ، أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ، أَلَا إِنَّهُ المَقْفُوضُ إِلَيْهِ، أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ، أَلَا إِنَّهُ البَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ، أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ،

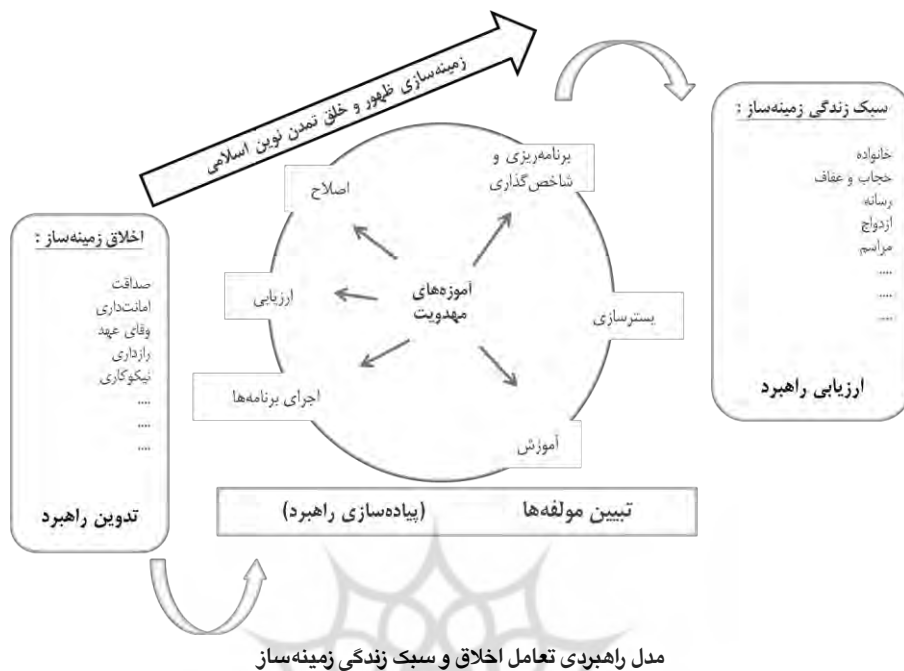
أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ؛ (طبرسی، ۱۴۰۲: ج ۱، ۶۳-۶۴)

بدانید که خاتم امامان، قائم مهدی از ماست. بدانید او مسلط و قاهر در دین است. بدانید او از ستمکاران انتقام خواهد گرفت. بدانید او فاتح قلعه‌ها و شهرهاست. بدانید او مشرکان و دشمنان دین را نابود می‌کند. بدانید او خون بهای اولیای خدا را می‌گیرد. بدانید او یاری رسان دین خداست. بدانید او از دریای وسیع حقیقت و معرفت می‌نوشد. بدانید که او هر کس را به فراخور حال و استعداد و کردارش مقام و رتبه می‌دهد. بدانید او برگزیده و منتخب خداوند است. بدانید او وارث علوم [انبیاء] و محیط بر [حقایق] آن است. بدانید او مخبر پروردگار و معرّف ایمان به اوست. بدانید او صاحب عقل سلیم و ثبات در رأی و عمل است. بدانید امور دین الهی به او واگذار می‌شود. بدانید که پیامبران گذشته به وجود او بشارت داده‌اند. بدانید او حجّت باقی خداست و پس از او حجّتی نیست، و حقّ تنها با اوست، و نور تنها نزد اوست. بدانید او همیشه پیروز است و شکست در او راهی ندارد. بدانید او ولیّ خدا در زمین، و حاکم او در میان بندگان، و امین به اسرار و ظواهر خداست.

با توجه به این نکات، مشخص می‌شود که در نگاه آینده‌نگری الهی جهان به سمت استقرار حکومت جهانی موعود الهی حرکت می‌کند و پس از سال‌ها حرمان از وجود مستقیم و بی‌واسطه امام معصوم و با طی شدن حوادثی عظیم، عجیب و سرنوشت‌ساز - که به حوادث آخرالزمان مشهورند - شاهد حکومت موعود است. فرجام جهان از منظر تفکر ناب شیعی، مدینه فاضله‌ای واقعی و قطعی است و نه خیالی و دست‌نیافتنی (گودرزی: ۱۳۸۵).

با این دو نمونه، مشخص است که نظام تربیتی و اخلاقی مبتنی بر تفکر ناب مهدوی با نظام مبتنی بر اندیشه تافلری متفاوت خواهد بود؛ اولی به دنبال اخلاق زمینه‌سازی است که منتظر واقعی و فعال بسازد و حکومتی زمینه‌ساز را استقرار دهد. دومی به دنبال تربیت انسان‌هایی است که در حال تلاش برای به کرسی نشاندن تفکر لیبرال دموکراسی بوده و اخلاقی را ترویج می‌کند که خشونت را تئوریزه می‌سازد. البته روشن است که تفاوت این دو رویکرد در سبک زندگی نیز خود را نشان می‌دهند.

با توجه به این نکات در رویکرد زمینه‌سازی، باید به طراحی یک مدل اولیه راهبردی برای پیاده‌سازی و استقرار اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز اقدام کرد. شکل زیر تمثیلی از این مدل است.



در این شکل، سه مرحله رایج در مدل‌های مدیریت راهبردی - یعنی تدوین راهبرد، پیاده‌سازی و ارزیابی آن - ترسیم شده‌اند. در مرحله تدوین از اخلاق زمینه‌ساز استفاده خواهد شد و در حقیقت با استناد به مؤلفه‌های اخلاق زمینه‌ساز و ملاحظاتی که بیان داشتیم، ارزش‌ها و اصول اخلاقی چون صداقت، امانت‌داری و نیکوکاری تعریف و تدوین خواهند شد. در مرحله تبیین مؤلفه‌ها و پیاده‌سازی آن‌ها با محوریت آموزه‌های مهدویت، در چارچوب چرخه پیاده‌سازی و تعالی راهبرد، برنامه‌ریزی، بسترسازی، آموزش، اجرا، ارزیابی و اصلاح انجام می‌شود. نتیجه عملی اخلاق باید خود را در زمینه سبک زندگی نشان دهد و این خود معیار ارزیابی راهبرد خواهد بود. در حقیقت هنگامی اخلاق زمینه‌ساز، موفق‌آمیز بوده است که ثمره‌اش در ازدواج صداقانه و مملو از عطر مهدوی تبلور یابد، یا حجاب و پوشش در سبک زندگی زمینه‌ساز محصول آموزش و بسترسازی است که حاصل اخلاق زمینه‌ساز باشد.

نتیجه

۱. در این نوشتار بین اخلاق عام و اخلاق زمینه‌ساز، تفاوت قائل شدیم و اخلاق زمینه‌ساز را مجموعه ملکات و صفاتی که در انسان آمادگی روحی و باطنی برای ورود به شرایط ظهور و دوران جامعه منتظران را فراهم می‌کند دانستیم. با این تعریف مشخص می‌شود که

ارتباط بین اخلاق عام و اخلاق زمینه ساز در شکل و محتوای مباحث و تفاوتشان در رویکرد عملیاتی است.

۲. از سوی دیگر، سبک زندگی رایج با سبک زندگی زمینه ساز نیز متفاوت است. سبک زندگی زمینه ساز، مجموعه رفتارهای اجتماعی است که ضمن برآورده کردن نیازهای جاری جامعه منتظران، روایتی عمل گرا و فعالانه مبتنی بر تفکر موعودگرایی و مهدوی را برای هویت اجتماعی برمی‌گزیند. سبک زندگی زمینه ساز همان سبک زندگی دینی مبتنی بر آموزه‌های ادیان الهی است؛ اما ارتباط آن‌ها در شکل و محتوای مباحث و تفاوتشان در نقطه تمرکز و تأکید هویتی است.

۳. می‌توان نشانه‌های ظهور را از منظر راهبردی در دو دسته کلامی و محتوایی تقسیم کرد. در این تقسیم‌بندی با توجه به تحلیل دقیق محتوا و کلام امام معصوم علیه السلام، راهبردسازی بر مبنای شناخت ویژگی‌ها و مؤلفه‌های موقعیت و مقطع مورد نظر صورت خواهد گرفت.

۴. طراحی هر مدل راهبردی برای پیوند و تعامل بین اخلاق و سبک زندگی، متضمن درک صحیح و قابل اطمینان از آینده است. اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز نیز بر مبنای تفکر ناب مهدوی در قالب یک مدل راهبردی قابل تعامل و اثرگذاری هستند.

منابع

- آیتی نصرت الله، تأملی در نشانه های حتمی ظهور، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.
- تافلر، الوین، موج سوم، ترجمه: شهین دخت خوارزمی، اصفهان، انتشارات فردا، ۱۳۶۳ ش.
- چنکیز، ریچارد، هویت اجتماعی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵ ش.
- خمینی، سید روح الله، شرح حدیث جمود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
- دوانی، علی، مهدی موعود، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.
- سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، تهران، نشر آفاق، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.
- شمس، مراد علی، با علامه در میزان، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۴ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق: محمدباقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- کچوییان، حسین، تطورات گفتمان های هویتی ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵ ش.
- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: مهدی حقی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸ ش.
- گودرزی، غلامرضا، «افق جهانی، مدل تصمیم گیری استراتژیک موعودگرا»، مجموعه آثار دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت (ج ۳)، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- گودرزی، غلامرضا، افق جهانی، مدل مدیریت راهبردی موعودگرا، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
- گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی مظفر، محمدحسن و همکاران، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸ ش.
- مهدوی کنی، محمدسعید، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصل نامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۶ ش.

- نعمانی محمد بن ابراهیم بن جعفر، الغیبة، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- هیئت علمی مؤسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۳۸۶ش.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی